

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲۰

تاریخ تصویب مقاله: ۹۶/۱۰/۱

تدوین مدل تاب‌آوری با توجه به سبک‌های هویتی و احساس شکست در میان معلمان متأهل شهر بابل

سعید محسن تبار فیروز جایی*، دکتر کیومرث فرح‌بخش**، مجتبی سلم آبادی*** و سپیده محسن تبار فیروز جایی****

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به دنبال تدوین مدل تاب‌آوری با توجه به سبک‌های هویتی و احساس شکست در میان معلمان متأهل شهر بابل بوده است. روش: به منظور جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌ای شامل ۳۰۰ نفر از معلمان شهرستان بابل به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. ابزارهای مورد استفاده به منظور دستیابی به اهداف پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه سبک‌های هویتی برزنسکی (ISI_6G)، پرسشنامه احساس شکست و پرسشنامه تاب‌آوری بزرگسالان (RSA). برای تحلیل داده، از تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی به صورت مستقیم، سبک هویت هنجاری با نقش واسطه‌ای احساس شکست و سبک هویت اجتنابی و سردرگم به صورت

* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی تهران mohsentabarsaeed@yahoo.com

** استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی تهران

*** دانش‌آموخته کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی تهران

**** دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس صدیقه طاهره مازندران

مستقیم و با نقش واسطه‌ای بر تاب‌آوری تأثیر دارد. نتیجه‌گیری: هویت اجتنابی و هویت هنجاری در مواقعی که موقعیت استرس‌آور و تنش‌زایی در موفقیت وجود دارد، به شدت دچار تنیدگی می‌شوند. احساس شکست موجب می‌شود تا تاب‌آوری و مقاومت افراد در برابر استرس کمتر باشد؛ بنابراین تأثیر منفی بر تاب‌آوری دارند. برعکس افراد دارای هویت اطلاعاتی، در برابر استرس از مقاومت و تاب‌آوری بالایی برخوردار هستند.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، سبک‌های هویتی (اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی)، احساس شکست.

مقدمه

در سال‌های اخیر در اغلب حوزه‌های روان‌شناسی، رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر^۱ با شعار توجه به توانمندی‌ها و نقاط قوت و استعدادها مورد توجه و اقبال متخصصان و پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهشگران این مکتب هیجانانگیز و صفات مثبت و موقعیت‌های را که انسان‌ها در آن پیشرفت می‌کنند و کامیاب می‌شوند، مورد تحلیل قرار می‌دهند. در این میان، تاب‌آوری^۲ جایگاه ویژه‌ای، به‌خصوص در حوزه‌های روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی، به خود اختصاص داده است.

تاب‌آوری به صورت‌های مختلف تعریف شده است. بیشتر تعاریف به انطباق به‌رغم وجود موانع یا موقعیت‌های دشوار اشاره دارد (فروغی، ۱۳۹۰). تاب‌آوری عبارت است از: کنار آمدن با تغییرات سریع، حفظ سلامتی و توانمندی به هنگام مواجهه با فشار مداوم، انعطاف‌پذیری در مواجهه با موانع زندگی، تغییر برای جستجوی راه‌های جدید از زندگی و کار در زمانی که یک شیوه قدیمی برای درازمدت مناسب نیست و در نهایت اینکه انجام تمام موارد بالا بدون اینکه کار غیرعادی و مضری از ما صادر شود (سیبرت^۳، ۲۰۰۵).

تاب‌آوری عاملی است که به افراد در مواجهه و سازگاری با شرایط سخت و استرس‌زای زندگی کمک می‌کند و آن‌ها را در برابر اختلالات روانی و مشکلات زندگی محافظت می‌کند.

^۱. Positive psychology perspective

^۲. Resilience.

^۳. Siebert

(ایزدیان، امیری، جهرمی و حمیدی، ۲۰۱۰). می‌توان گفت تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است (کونور، دیوید سون و لی^۱، ۲۰۰۳). افزون‌براین، اکثر پژوهشگران بر این باورند که تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است (ماستن^۲، ۲۰۰۱).

ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که هر لحظه از زیست‌مان آمیخته است با رویدادهای پیش‌بینی‌نشده‌ای که گاه چنان رنج‌آور و طاقت‌فرسا هستند که تاب‌آوری آن‌ها برای انسان مشکل است. اجتناب‌ناپذیری چنین رویدادهایی انسان را بر آن می‌دارد که راه چاره‌ای برای کنار آمدن و سپری کردن این شرایط جستجو کند؛ از همین رو شناخت مفهوم تاب‌آوری و همچنین مفاهیم مرتبط با این مقوله در جهت افزایش تاب‌آوری و به تبع آن توانمندی خود در مواجهه با رویدادهای طاقت‌فرسا می‌تواند از جمله راهکارهایی باشد که در جهت زندگی سالم و اصیل صورت می‌گیرد؛ زیرا فهم عوامل حمایتی و چگونگی عملکرد آن‌ها ممکن است به مداخلات بالینی مناسب منجر شود. از جمله مفاهیم مرتبط با تاب‌آوری، سبک هویتی^۳ است. در واقع با توجه به مطالعاتی که در علم روان‌شناسی صورت می‌گیرد می‌توان گفت که افراد با توجه به سبک‌های هویتی مختلف‌شان، دارای میزان تاب‌آوری متفاوتی هستند؛ بنابراین تاب‌آوری و سبک‌های هویتی افراد دو عامل تأثیرگذار مهم در تحکیم سلامت روان افراد جامعه می‌باشند. از سویی به نظر می‌رسد که شکست‌ها و ناکامی‌های که انسان با آن‌ها مواجهه می‌شود هم می‌تواند بر میزان تاب‌آوری افراد تأثیرگذار باشد.

هویت از جمله موضوعاتی است که امروزه مدنظر روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و سیاستمداران است که هر کدام به تبع ارتباط خود با این موضوع، به آن می‌پردازند. برای روان‌شناسان آنچه اهمیت دارد، ثبات هویت افراد و کسب هویت موفق و گذر موفقیت‌آمیز از بحران هویت است. (گیدنس^۴، ۲۰۰۱). برزونسکی^۵ (۱۹۸۹) الگویی را مطرح کرده است که به

1. Connor؛ Davidson & Lee

2. Masten

3. Identity Style

4. Giddens

5. Berzonsky

تفاوت در فرایندهای شناختی-اجتماعی جوانان در ساخت، نگهداری و انطباق هویت خودشان تأکید دارد. در مدل سبک هویت برزونسکی (۱۹۸۹)، به سه سبک هویت متمایز اشاره شده است که عبارت‌اند از: سبک اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم-اجتنابی، که این سبک‌ها ناشی از استراتژی حل مسئله یا مکانیسم مقابله‌ای است. در واقع این نظریه عنوان می‌کند که نوجوانان از یکی از این سبک‌ها در جهت اداره کردن موقعیت‌های روزانه استفاده می‌کنند.

سبک هویتی اطلاعاتی^۱ ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک است و در واقع استراتژی حل مسئله و یا مکانیسم کنار آمدن برای اداره موقعیت‌های روزانه می‌باشد. سبک هنجاری^۲ براساس تقلید و تبعیت افراد مهم در زندگی فرد بنا نهاده شده است و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی، تعهد غیرمنعطف و یک خودپنداره ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. سبک نامتمایز-اجتنابی^۳ سمبل برخورد طفره‌آمیز و مسامحه در مشکلات است. یک استراتژی متمرکز بر هیجان که با سطح پایینی از تعهد و اعتمادبه‌نفس و بی‌ثباتی خودپنداره همراه است (شوارتز، ۲۰۰۱).

براساس پژوهش برزونسکی و کاک^۴ (۲۰۰۰)، افراد دارای سبک هویت پراکنده-اجتنابی سطوح پایین‌تری از تاب‌آوری را داشته و امیدواری کمتری دارند. پاپی، خواجه‌وند و برومندنسب (۲۰۱۴) در پژوهشی که بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند، دریافتند سبک هویت اجتنابی-سردرگم، تاب‌آوری را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند و سبک هویت پیشرفته تاب‌آوری را به شکل مثبتی پیش‌بینی می‌کند. هویت آشفته و هویت زودرس رابطه معناداری با تاب‌آوری ندارد. عبدی زرین، سجادیان، شهیا، بیان‌معمار و عظیمی (۱۳۸۹) دریافتند، بین سبک هویتی سردرگم با افسردگی و مشکلات روانی دوران بلوغ رابطه مستقیم و معنادار به دست آمد. نتایج پژوهش سروقد (۱۳۹۲) نشان داد که سبک‌های هویتی هنجاری و تعهد به صورت مثبت و معنادار و سبک هویت سردرگم-اجتنابی به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری هستند.

1. Informational Style

2. Normative Style

3. Diffuse & Avoidant

4. Berzonsky & Kuk

در پژوهش طاهری، یاریاری، صرامی و ادیب‌منش (۱۳۹۲) که با هدف تعیین و بررسی رابطه بین سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در بین دانشجویان اجرا شد، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری (فقط با شادکامی) و هویت متعهد با شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار دارند. غضنفری، (۱۳۸۲) دریافت نوجوانانی که پایگاه هویت موفق دارند، از سلامت روان بیشتری برخوردارند؛ اما نوجوانانی که پایگاه هویت معوق دارند از سلامت روان کمتری برخوردارند. همچنین احمدزاده (۱۳۸۴) دریافت بین پایگاه هویت سردرگم و گرایش به خودکشی در نوجوانان رابطه وجود دارد.

از طرفی یکی دیگر از متغیرهایی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود، مفهوم احساس شکست است. مفاهیم شکست^۱ و ناکامی^۲ در رویکردهای تکاملی از پدیده‌های تکاملی به‌کار گرفته شده است (تیلور، وود، گودینگ، جانسون و تارر^۳، ۲۰۰۹). مفهوم شکست، از رویکردهای طبقه‌ای اجتماعی در افسردگی انسان‌ها توسعه یافته است. آلن و گیلبرت^۴ (۲۰۰۲) شکست را به‌عنوان حس مبارزه شکست‌خورده^۵ و ازدست‌دادن و کاهش رتبه اجتماعی تعریف کرده‌اند. شکست ممکن است به‌طور مستقیم به تعارض‌های درون‌فردی مرتبط باشد، همچنین ممکن است به شکست در دستیابی به منابع اجتماعی، از جمله منابع مادی مرتبط باشد. در فرایندهای مرتبط با افسردگی و فقدان لذت، شکست و به‌دام‌افتادن به شکل خاصی تأثیرگذارند و ادراکات شکست نقش مهم خاصی در پایین بودن عواطف مثبت بازی می‌کند (تیلور^۶، ۲۰۱۰).

مدل‌های نظری خودکشی فرض می‌کنند ادراکات شکست ناکامی بخشی از مکانیسم روانی است که اساس رفتار و افکار خودکشی است. بیماران مبتلابه دردهای مزمن سطوح شکست روانی بالایی را نسبت به گروه‌های دیگر نشان دادند. درد خاص شکست روانی ممکن

1. Failure

2. Fiasco

3. Taylor؛ Wood؛ Gooding؛ Johnson & Tarrier

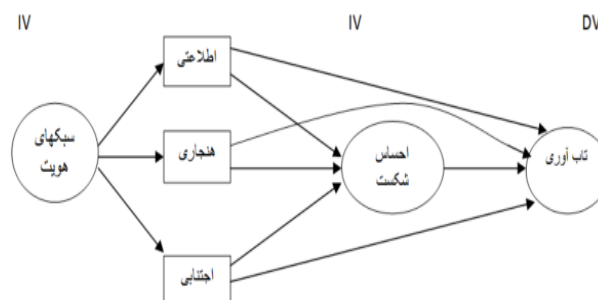
4. Allan & Gilbert

5. sense of failed struggle

6. Taylor

است با ناتوانی و طلب یک متخصص برای درمان مرتبط باشد. ادراکات شکست روانی در توسعه و نگهداری اختلال استرس پس از سانحه و افسردگی دخیل است (تیلور، ۲۰۱۰). ازسوی دیگر، بخشی از محبوبیت مفهوم تاب‌آوری و پژوهش‌های مرتبط، به این دلیل است که این دیدگاه بر توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها، امید و قدرت فرد تمرکز دارد. این که عوامل محافظت‌کننده به‌عنوان سپری علیه رفتارهای خطرناک و پیامدهای همراه با آن‌ها مطرح هستند، تبیین‌کننده این موضوع است که چرا بسیاری از جوامع، در سطح ملی و محلی به شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری و به‌دنبال آن، طرح برنامه‌های درمانی و ارتقای توانایی‌های لازم در نوجوانان اقدام کرده‌اند (کردمیرزا نیکوزاده، ۱۳۸۸).

ارتقای بهداشت و تأمین سلامت روان افراد جامعه، یکی از ارکان مهم پیشرفت جوامع است (سید نوزادی، ۱۳۸۰)؛ بنابراین توجه به متغیرهایی از جمله تاب‌آوری، احساس شکست و سبک‌های هویت، می‌توانند نقش مؤثری در سلامت روان داشته باشند. با توجه به آنچه بیان شد و اهمیت سه مقوله تاب‌آوری، سبک‌های هویت و احساس شکست از یک‌سو و نقش هرکدام از این متغیرها در سلامت روان افراد جامعه، محقق را بر آن داشت تا به مطالعه و پژوهش در این مورد مهم بپردازد و از آنجایی که در زمینه ارتباط متغیرهای مذکور به‌طور همزمان تا آنجا که پژوهشگر بررسی کرده، پژوهشی به‌طور مستقیم انجام نشده است؛ از این‌رو خلأ پژوهشی در زمینه فوق وجود دارد و در نتیجه پژوهشگر به‌دنبال برآزش مدل مطرح‌شده زیر است.



شکل ۱-۱: مدل پیشنهادی تاب‌آوری بر اساس سبک‌های هویتی و احساس شکست

بر این اساس، محقق به دنبال این است که مؤلفه‌های مطرح در سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم-اجتنابی) و نیز احساس شکست را درخصوص تأثیرگذاری‌شان بر تاب‌آوری بسنجد؛ بنابراین، با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)^۱ پژوهشگر به دنبال بررسی برازش مدل نظری مطرح‌شده درخصوص عوامل مؤثر بر تاب‌آوری است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های همبستگی^۲، از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) است. جامعه آماری، همه معلمان شهر بابل در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای^۳ انتخاب شدند. بدین صورت که از ۶ منطقه بابل، دو منطقه به‌طور تصادفی، سپس از هر دو منطقه، ۶ دبیرستان (۳ دبیرستان دخترانه؛ ۳ دبیرستان پسرانه) انتخاب شدند و در مجموع ۳۰۰ نمونه مورد آزمون قرار گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی، نمودارها، محاسبه میانگین، انحراف معیار و نیز از شاخص‌های آمار استنباطی تحلیل مسیر استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه سبک هویتی برزنسکی (ISI_6G)^۴: پرسشنامه سبک هویتی ابتدا توسط برزنسکی (۱۹۸۹) ساخته شد و دارای ۴۰ سؤال است و سه سبک هویت و میزان تعهد فرد را هنگام اجرای پرسشنامه می‌سنجد. پرسشنامه از چهار گزینه شامل کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم تشکیل شده که نمره‌گذاری سؤالات ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۰ به صورت معکوس است. این پرسشنامه در بخش سبک اطلاعاتی، ۱۱ سؤال؛ در بخش

1. Structural Equation Modeling

2. Correlation

3. Randomcluster

4. Identity Style Inventory Brznsky

سبک هویت هنجاری، ۹ سؤال؛ در بخش هویت سردرگم یا اجتنابی، ۱۰ سؤال می‌باشد. وایت و همکارانش در سال ۱۹۹۸ به تجدیدنظر در این آزمون پرداختند. در پژوهش حاضر از فرم تجدیدنظرشده (ISI_6G) استفاده شده است. برزونسکی (۱۹۹۸) ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱، سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک اجتنابی را ۰/۷۵، مقیاس تعهد را ۰/۷۸، گزارش کرده است و ضریب پایایی را به روش آزمون مجدد و به فاصله زمانی دو ماه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ گزارش کرده است. آقاجانی در سال ۱۳۸۰ طی هنجاریابی پرسشنامه مذکور، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۷۴، سبک اطلاعاتی ۰/۶۷، سبک هنجاری ۰/۵۳، سبک اجتنابی ۰/۵۴ و مقیاس تعهد ۰/۵۷ را به دست آورده است (به نقل از جوکار، ۱۳۸۵). در تحقیق حاضر، ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی ۰/۷۲، سبک هنجاری ۰/۶۲ و سبک هنجاری ۰/۵۴ و مقیاس تعهد ۰/۵۶ به دست آمد.

۲- پرسشنامه تاب‌آوری بزرگسالان (RSA)^۱: این پرسشنامه که توسط فرایبرگ،

هجمیدال، روزنوینگ و مارتینوسن^۲ در سال (۲۰۰۳) تهیه شده، شامل ۴۳ گویه با پنج زیرمقیاس است. این پنج بُعد عبارت‌اند از: ۱. مؤلفه شخصی یا قابلیت‌های فردی؛ ۲. مؤلفه اجتماعی یا قابلیت‌های اجتماعی؛ ۳. حمایت اجتماعی؛ ۴. پیوستگی یا انسجام خانوادگی؛ ۵. ساختار شخصیتی. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت است؛ این‌گونه که به پاسخ‌های کاملاً مخالف تا کاملاً موافق به ترتیب نمره‌های ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. روایی مقیاس به روش تحلیل عوامل و همبستگی با مقیاس تاب‌آوری کونور و همکاران (۲۰۰۳) و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای زیرمقیاس‌ها برابر با ۰/۸۰، ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۷ و ۰/۷۹ به دست آمد. آن‌ها گزارش کردند که پیوستگی درونی (آلفای کرونباخ) برای همه ابعاد، بالا بوده و از دامنه ۰/۹۲ - ۰/۷۵ و برای مجموع آیت‌ها (a=۰/۹۳) قرار دارد و در مجموع، نسخه فارسی این پرسشنامه ابزار مناسبی با روایی و اعتبار بالا برای

^۱. Resilience Scale for Adults

^۲. Friborg، Hjemdal، Rosenvinge & Martinussen

اندازه‌گیری سطح تاب‌آوری در بزرگ‌سالان است؛ درضمن، تمام زیرمقیاس‌های **RSA** همبستگی مثبت و معناداری با اندازه‌گیری‌های سازگاری‌های شخصیتی و روان‌شناختی، یعنی مقیاس احساس پیوستگی **SOC** دارد (به‌نقل از شیرازی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون ۰/۹۴ به‌دست آمد.

۳- مقیاس احساس شکست^۱: پرسشنامه احساس شکست توسط گیلبرت و آلن (۱۹۹۸)

ساخته شد. این پرسشنامه با ۱۶ آیتم، احساس شکست را با یک نمره که به معنای احساس شکست در مبارزه و از دست رفتن جایگاه فرد است، اندازه‌گیری می‌کند. افراد شرکت‌کننده در این پژوهش که به‌صورت داوطلبانه و بدون ذکر نام شرکت کردند؛ به هرکدام از سؤالات که براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از «هرگز» تا «تقریباً همیشه» طراحی شده بود، پاسخ دادند. از آنان خواسته شد پاسخ دهند که در ۷ روز گذشته به چه میزان احساس شکست را تجربه کرده‌اند. این مقیاس دارای همسانی درونی بسیار بالا با ضرایب آلفا در هر دو گروه (۰/۹۴ برای زنان و ۰/۹۳ برای مردان)، به‌علاوه با اطمینان ۰/۹۴ برای دانش‌آموزان و ۰/۹۳ در گروه افسرده است (تیلور و همکاران، ۲۰۰۹). لازم به توضیح است که سؤالات ۴، ۲، ۶ و ۹ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و نسخه اصلی آن بدون خرده‌مقیاس است. به‌منظور سنجش همسانی درونی پرسشنامه احساس شکست، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در طی هنجاریابی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ، کل آزمون ۰/۹۱ و همچنین ضریب آلفای زنان ۰/۹۱ و مردان ۰/۹۲ به‌دست‌آمده است (ترصافی، کلانتر کوشه و لستر، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون ۰/۸۸ به‌دست آمد.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که از مجموع ۳۰۰ نفر پاسخ‌دهنده، ۱۱۴ نفر (۳۸ درصد) زن و ۱۸۶ نفر (۶۲ درصد) مرد هستند.

^۱. Scale feeling of defeat

جدول ۱-۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

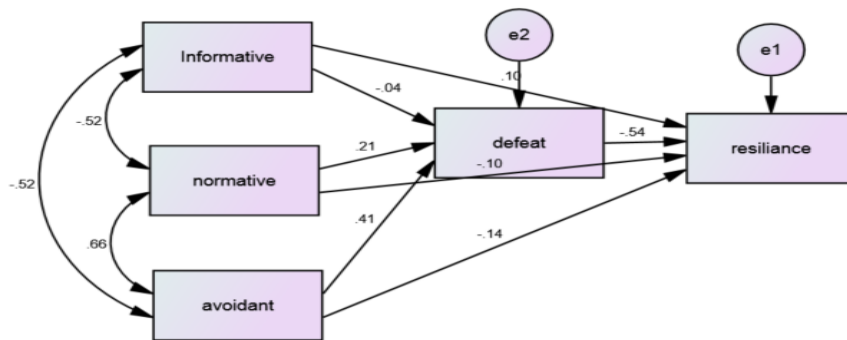
متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
اطلاعاتی	۱۴.۰۰	۴۴.۰۰	۲۷.۶۱۹۹	۶.۵۵۷۶۰
هنجاری	۱۳.۴۰	۳۵.۰۰	۲۲.۶۵۷۵	۴.۷۱۵۷۱
اجتنابی	۱۷.۰۰	۴۰.۰۰	۲۶.۳۶۳۸	۴.۷۵۱۷۸
تاب‌آوری	۵۷.۰۰	۱۹۹.۰۰	۱۵۲.۴۳۹۸	۲۸.۰۴۷۱۶
احساس شکست	۱۹.۰۰	۷۶.۰۰	۳۶.۱۲۸۹	۱۲.۴۳۶۹۴

جدول ۱-۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نمایش می‌دهد. سبک هویت هنجاری کمترین و سبک هویت اطلاعاتی بیشترین میانگین را در بین سبک‌های هویتی دارند. میانگین تاب‌آوری ۱۵۲/۴۳ و میانگین احساس شکست ۳۶/۱۲ است.

جدول ۱-۲ ماتریس همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵
۱- اطلاعاتی	-				
۲- هنجاری	-.۰/۴۹۶**	-			
۳- اجتنابی	-.۰/۴۴۷**	۰/۵۷۱**	-		
۴- تاب‌آوری	۰/۳۸۸**	-.۰/۴۴۱**	-.۰/۴۶۶**	-	
۵- احساس شکست	-.۰/۳۰۱**	۰/۳۷۵**	۰/۴۷۳**	-.۰/۵۷۶**	-

همان‌طور که در جدول ۱-۲ مشاهده می‌شود، همه ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش معنادار است. بین سبک هویت اطلاعاتی با سبک اجتنابی و هنجاری، رابطه معکوس وجود دارد. رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی با تاب‌آوری مثبت و با احساس شکست معکوس است. بین سبک هویت هنجاری و اجتنابی با تاب‌آوری رابطه معکوس و بین سبک هویت هنجاری و اجتنابی با احساس شکست رابطه مثبت وجود دارد. بین تاب‌آوری و احساس شکست هم رابطه معکوس وجود دارد.



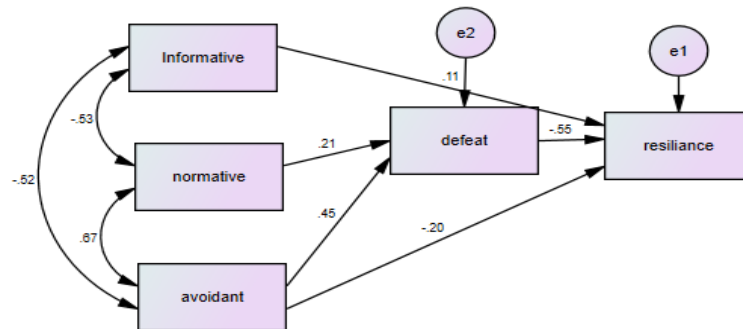
شکل ۱-۱ مدل مسیر تأثیر سبک‌های هویتی و احساس شکست بر تاب‌آوری در حالت ضرایب استاندارد همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود، در بین تأثیرات سبک‌های هویتی بر احساس شکست، بیشترین تأثیر مربوط به سبک اجتنابی ($\beta = 0/41$) و کمترین تأثیر مربوط به سبک اطلاعاتی ($\beta = -0/04$) است. ضریب تأثیر سبک هنجاری و اجتنابی بر احساس شکست مثبت و ضریب تأثیر سبک اطلاعاتی منفی است. سبک اجتنابی با ضریب ($\beta = -0/14$)، بیشترین تأثیر را بر تاب‌آوری دارد. ضریب تأثیر سبک اطلاعاتی بر تاب‌آوری ($\beta = 0/10$) و ضریب تأثیر سبک هنجاری بر تاب‌آوری ($\beta = 0/-/ 10$) است. ضریب تأثیر احساس شکست بر تاب‌آوری ($\beta = -0/54$) است که نشان‌دهنده تأثیر منفی احساس شکست بر تاب‌آوری است. ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها همراه با آزمون‌های معناداری آن‌ها در جدول ۳-۱ ارائه شده است.

جدول ۳-۱ ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های هویت بر تاب‌آوری

ضریب استاندارد	P	مقدار بحرانی	خطای برآورد	ضریب غیراستاندارد	مسیر غیرمستقیم
-۰.۰۴۴	۴۰.۷	-۰.۸۲۹	۰.۱۰۱	-۰.۰۸۳	اطلاعاتی ← احساس شکست
۰.۲۰۵	۰.۰۰۲	۳.۰۸۰	۰.۱۷۶	۰.۰۵۴۱	هنجاری ← احساس شکست
۰.۴۱۰	***	۵.۵۳۷	۱۹۴.۰	۱.۰۷۴	اجتنابی ← احساس شکست
-۰.۰۵۳۶	***	-۸.۱۸۱	۰.۱۴۸	-۱.۲۰۹	احساس شکست ← تاب‌آوری
۰.۰۹۸	۰.۰۱۴	۲.۴۶۵	۰.۱۷۱	۰.۴۲۱	اطلاعاتی ← تاب‌آوری
-۰.۰۹۸	۰.۱۳۶	-۱.۴۹۰	۰.۳۹۰	-۰.۵۸۲	هنجاری ← تاب‌آوری
-۰.۱۴۵	۰.۰۳۱	-۲.۱۵۶	۰.۳۹۶	-۰.۸۵۳	اجتنابی ← تاب‌آوری
۰/۰۲۴	۰/۴۰۲	-	۰/۱۲۴	۰/۱۰۱	اطلاعاتی ← احساس شکست ← تاب‌آوری
-۰/۱۱۰	۰/۰۰۱	-	۰/۲۲۴	-۰/۶۵۴	هنجاری ← احساس شکست تاب‌آوری
-۰/۲۲۰	۰/۰۰۱	-	۰/۲۷۰	-۱/۲۹۸	اجتنابی ← احساس شکست تاب‌آوری

همان‌طور که در جدول ۳-۱ مشاهده می‌شود، ضریب تأثیر سبک اطلاعاتی بر احساس شکست و ضریب تأثیر سبک هنجاری بر تاب‌آوری معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک اطلاعاتی برابر با $۰/۱۰۱$ - است. با توجه به اینکه سطح معناداری مشاهده‌شده برای آن بزرگ‌تر از $۰/۰۵$ است، نتیجه گرفته می‌شود ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک اطلاعاتی بر تاب‌آوری معنادار نیست. ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری بر تاب‌آوری برابر با

۰/۶۵۴- و ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت اجتنابی برابر با ۱/۲۹۸- است، با توجه به اینکه سطح معناداری مشاهده شده برای آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، نتیجه گرفته می‌شود ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری و اجتنابی معنادار است. با توجه به بزرگ‌تر بودن ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد مربوط به سبک اجتنابی، می‌توان گفت سبک اجتنابی بیشترین تأثیر مستقیم را بر تاب‌آوری دارد. با توجه به وجود ضرایب غیرمعنادار در مدل و نیز به دلیل این‌که مدل کاملاً مشخص است^۱، برای دستیابی به یک مدل مشخص با توجه به مقادیر t ضرایب غیرمعنی‌دار به صورت یک‌به‌یک حذف شدند تا نهایتاً در مدل اصلاح شده کلیه ضرایب باقی مانده در مدل معنادار باشند. مدل اصلاح شده در شکل ۱-۲ ارائه شده است.



شکل ۱-۲ مدل مسیر تأثیر سبک‌های هویتی و احساس شکست بر تاب‌آوری در حالت ضرایب استاندارد همان‌طور که در شکل ۱-۲ مشاهده می‌شود، تأثیر مربوط به سبک اجتنابی بر احساس شکست ($\beta = ۰/۴۲$) و تأثیر مربوط به سبک هنجاری ($\beta = -۰/۲۲$) است. ضریب تأثیر سبک اطلاعاتی بر احساس شکست به دلیل معنادار نبودن در مدل اصلاح شده حذف شده است. تأثیر مربوط به سبک اجتنابی بر تاب‌آوری ($\beta = -۰/۱۹$) و تأثیر مربوط به سبک اطلاعاتی ($\beta = -۰/۱۲$) حذف شده است. ضریب تأثیر سبک هنجاری بر تاب‌آوری در مدل اصلاح شده به دلیل معنادار نبودن حذف شده است. ضریب تأثیر احساس شکست بر تاب‌آوری ($\beta = -۰/۵۵$) است که

^۱ در مدل کاملاً مشخص به دلیل اینکه درجه آزادی مدل صفر است، امکان محاسبه شاخص‌های برازش مدل و قضاوت درباره برازش مدل با داده‌ها وجود ندارد.

نشان‌دهنده تأثیر منفی احساس شکست بر تاب‌آوری است. ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها همراه با آزمون‌های معناداری آن‌ها در جدول ۸-۴ ارائه شده است.

جدول ۱-۴ ضرایب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های هویت بر تاب‌آوری

ضریب استاندارد	P	مقدار بحرانی	خطای برآورد	ضریب غیراستاندارد	مسیر غیرمستقیم
۰.۲۰۶	۰.۰۰۲	۳.۱۲۱	۰.۱۷۱	۰.۵۳۴	هنجاری ← احساس شکست
۰.۴۵۰	***	۶.۰۳۷	۰.۱۹۳	۱.۱۶۸	اجتنابی ← احساس شکست
-۰.۵۵۳	***	-۸.۰۶۲	۰.۱۵۶	-۱.۲۶۱	احساس شکست ← تاب‌آوری
۰.۱۱۲	۰.۰۰۵	۲.۸۰۰	۰.۱۷۰	۰.۴۷۶	اطلاعاتی ← تاب‌آوری
-۰.۲۰۰	***	-۳.۲۹۹	۰.۳۵۸	-۱.۱۸۲	اجتنابی ← تاب‌آوری
-	-	-	-	-	اطلاعاتی ← احساس شکست ← تاب‌آوری
-۰/۱۱۴	۰/۰۰۲	-	۰/۲۷۳	-۰/۶۷۴	هنجاری ← احساس شکست تاب‌آوری
-۰/۲۴۹	۰/۰۰۱	-	۰/۲۵۹	-۱/۴۷۳	اجتنابی ← احساس شکست تاب‌آوری

همان‌طور که در جدول ۱-۴ مشاهده می‌شود، با توجه به حذف تأثیر مستقیم سبک اطلاعاتی بر احساس شکست در مدل اصلاح‌شده، ضریب غیرمستقیم برای تأثیر سبک اطلاعاتی بر تاب‌آوری محاسبه نشده است و سبک اطلاعاتی تنها به صورت مستقیم بر تاب‌آوری تأثیر دارد. ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری بر تاب‌آوری برابر با $-۰/۱۱۴$ و ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت اجتنابی برابر با $-۰/۲۴۹$ است. با توجه به اینکه سطح معناداری مشاهده برای هر دو ضریب کوچک‌تر از $۰/۰۵$ است، نتیجه گرفته می‌شود ضریب تأثیر غیرمستقیم سبک هویت هنجاری و اجتنابی معنادار است. سبک هنجاری به دلیل معنادار نبودن ضریب تأثیر مستقیم آن بر تاب‌آوری تنها به صورت غیرمستقیم و به واسطه

احساس شکست بر تاب‌آوری تأثیر می‌گذارد. با توجه به بزرگ‌تر بودن ضریب تأثیر غیرمستقیم استاندارد مربوط به سبک اجتنابی، می‌توان گفت سبک اجتنابی بیشترین تأثیر مستقیم را بر تاب‌آوری دارد.

مقدار شاخص‌های برازش ($SRMR=0/014$ ، $RMSEA=0/036$ ، $Df/x^2=1/38$)، $CFI=0/992$ ، $GFI=0/996$ نشان می‌دهند مدل در مجموع از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مدل اصلاح‌شده برای تأثیر سبک‌های هویت به واسطه احساس شکست بر تاب‌آوری دارای برازش مناسب با داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین مدل تاب‌آوری با توجه به سبک‌های هویتی و احساس شکست در میان معلمان متأهل شهر بابل انجام شد. نتایج نشان دادند که مدل فرضی اولیه مورد تأیید قرار نگرفت و از برازندگی کافی برخوردار نبود؛ اما پس از اصلاحات مدل و تغییراتی در آن، مدل از برازندگی بسیار بهتری برخوردار شد. در نتیجه مدل پژوهش برازش دارد. مدل اصلاح‌شده به این صورت بود که احساس شکست متغیر واسطه و میانجی‌گرانه بین سه سبک هویت بود.

با توجه به برازش مدل پژوهش، این‌گونه استنباط می‌شود که سبک‌های هویتی و احساس شکست بر تاب‌آوری معلمان متأهل دارند؛ که این یافته با پژوهش‌های پیشین همخوانی دارند. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که تاب‌آوری افراد متأثر از عواطف و هیجان‌هایی است که فرد ادراک می‌کند که از جمله این احساسات، احساس شکست است که به شدت بر تاب‌آوری افراد تأثیر منفی می‌گذارد و سلامت روان و تعادل زندگی افراد را برهم می‌ریزد. در تبیینی دیگر می‌توان گفت که سبک هویتی که فرد دارد، بر نحوه‌ای که با محیطش تعامل دارد یا ادراک می‌کند و یا با احساس شکست روبه‌رو می‌شود، تأثیرگذار است و با توجه به این تعاملات و ادراکات و روبه‌رویی با احساس شکست، میزان تاب‌آوری افراد کاهش یا افزایش می‌یابد.

دیگر یافته پژوهش نشان داد که سبک هویت هنجاری تنها به واسطه احساس شکست بر تاب‌آوری تأثیر دارد و تأثیر مستقیم آن بر تاب‌آوری معنادار نیست که نتیجه به‌دست آمده با نتایج پژوهش سروقد (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت، سبک هنجاری بر اساس تقلید و تبعیت از افراد مهم زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته ذهنی، تعهد غیرمنعطف و یک خودپنداره ثابت و سرکوب‌کننده اکتشاف است. بسته‌بودن و غیرمنعطف بودن افراد در این سبک، آن‌ها را از تجربه رویدادهای لذت‌بخش و معنادار زندگی بازمی‌دارد و آن‌ها را در حالتی قرار می‌دهد که در صورت روبه‌رو شدن با وقایع استرس‌زا و مخرب، نمی‌توانند به‌صورت خلاقانه‌ای برای رفع مشکلات خود عمل کنند و در نتیجه در برابر این مشکلات تسلیم می‌شوند و احساس شکست می‌کنند. در این حالت فرد هیچ‌گونه انعطاف‌پذیری از خود نشان نمی‌دهد و میزان تاب‌آوری فرد کاهش می‌یابد (به‌نقل از جوکار، ۱۳۸۵).

با توجه به نتایج، سبک هویت اطلاعاتی تنها به‌صورت مستقیم بر تاب‌آوری تأثیر دارد و تأثیر آن به‌واسطه احساس شکست بر تاب‌آوری معنادار نیست و نقش میانجی احساس شکست در این رابطه منتفی می‌شود که نتیجه به‌دست‌آمده با پژوهش‌های پیشین از جمله نجات، توزنده‌جانی و هنربخش، ۱۳۸۷؛ برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰) همسو است. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت، چون افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی آگاهانه و به‌طور فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند و سپس اطلاعات متناسب خود را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ آن‌ها درباره ساختار هویت خود شکاک بوده و زمانی که با بازخوردهای ناهماهنگ روبه‌رو می‌شوند، تمایل به آزمون، تجدیدنظر و انطباق ساختار خود با اطلاعات و شرایط جدید دارند؛ در نتیجه می‌توان گفت این افراد شخصیت انعطاف‌پذیری دارند که می‌توانند در برابر مشکلات روان‌شناختی تاب‌آوری بیشتری داشته باشند. افرادی که از این سبک هویت استفاده می‌کنند، نسبت به دیگران از آمادگی بیشتری برای حل مسئله و مشکلات مشخص برخوردارند (به‌نقل از جوکار، ۱۳۸۵). طبق دیدگان برزونسکی، افرادی که از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند، منبع کنترل درونی و نیاز بالا برای شناخته‌شدن پیچیدگی

شناختی و اضطراب تسهیل‌کننده دارند (نقل از بیرامی، ۱۳۸۹). تحقیقات نشان می‌دهند که در وضعیت سردرگمی و اهمال‌کاری، احساس موفقیت نیز مطمئناً کمتر بوده و هرچه هویت فرد به سبک اطلاعاتی سوق پیدا کند، می‌تواند احساس موفقیت فرد را افزایش دهد.

آخرین یافته پژوهش نشان داد که سبک هویتی سردرگم-اجتنابی به‌طور مستقیم و از طریق احساس شکست تأثیر معناداری بر تاب‌آوری معلمان دارد؛ بدین معنی که افرادی که سبک هویت سردرگم-اجتنابی دارند، از تاب‌آوری کمتری برخوردارند. همچنین احساس شکست بر میزان تاب‌آوری افراد دارای سبک هویت سردرگم یا اجتنابی تأثیرگذار است که یافته فوق همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله پاپی و همکاران (۲۰۱۴) که نشان دادند سبک هویت اجتنابی-سردرگم، تاب‌آوری را به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌کند، همخوان است. آدامز^۱ و همکاران (۲۰۰۱) نیز بیان کرده‌اند، دارندگان سبک هویت سردرگم-اجتنابی از اعتماد به نفس و امیدواری کم‌تر و همچنین، از نگرش‌های مجرمانه بیشتری نسبت به دارندگان سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری برخوردارند. نتایج تحقیقات برزونسکی (۲۰۰۳) نشان داد که افراد با سبک هویت سردرگم-اجتنابی، اهمال‌کار بوده و تا حد ممکن سعی در به تأخیر انداختن موقعیت‌های تعارض‌انگیز و تصمیم‌گیری دارند و در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آن‌ها به دلیل عدم اطمینان از توانایی شناختی خود، معمولاً قبل از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب دارند. همچنین در تصمیم‌گیری، معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (به نقل از جوکار، ۱۳۸۵).

در کل، نتیجه این پژوهش گویای این بود که احساس شکست به‌عنوان متغیری میانجی‌گر رابطه بین سبک اجتنابی و تاب‌آوری را مورد تعدیل قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که افراد دارای سبک هویتی اجتنابی دارای نمرات بالا در متغیر احساس شکست می‌باشند و این احساس شکست موجب می‌شود تا تاب‌آوری و مقاومت آن‌ها در برابر استرس کمتر باشد. برعکس افراد دارای هویت اطلاعاتی در برابر استرس از مقاومت و تاب‌آوری بالایی برخوردار هستند.

^۱. Adams

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و غیر علی بوده و استنباط علی درباره نتایج تحقیق اشتباه است. همچنین نتایج حاصل از این تحقیق متعلق به نمونه‌ای از معلمان شهر بابل بوده و تعمیم یافته‌های این تحقیق به نمونه‌های غیر از معلمان باید توأم با احتیاط باشد. تحقیقات طولی لازم است که تأثیر واقعی سبک‌های هویت را در احساس شکست و تاب‌آوری افراد، مورد سنجش قرار دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود که متغیر احساس شکست شاید تنها متغیری نباشد که رابطه بین سبک‌های هویت و تاب‌آوری را مورد میانجی‌گری قرار بدهد. توصیه می‌شود در تحقیقات آتی نقش متغیرهایی نظیر شخصیت، هوش هیجانی و... به عنوان متغیر میانجی‌گر مورد مطالعه و پژوهش قرار بگیرد. از سویی، نتایج این تحقیق برای خانواده‌ها و مشاوران در جهت تأکید بر آن‌ها به لزوم تربیت مؤثر و یا درمان و مشاوره مفید و مؤثر است. همچنین توصیه می‌شود که به انجام پژوهش در سایر جوامع و نمونه‌ها پرداخته شود. به متخصصان سلامت روان توصیه می‌شود از طریق شناسایی خطاهای شناختی و افکار غیرمنطقی، احساس شکست را در افراد شناسایی کرده و نسبت به درمان در جهت افزایش تاب‌آوری افراد اقدام کنند.

منابع

- ۱- احمدزاده، مهناز. (۱۳۸۴). بررسی میزان گرایش به خودکشی و ارتباط آن با هویت‌های موفق، زودرس، سردرگم و سبک‌های هویتی بین نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲- بیرامی، منصور. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (دانشگاه تبریز)، ۵(۲۰)، ۳۹-۲۱.
- ۳- ترصفی، مهدیه؛ کلانتر کوشه، سید محمد؛ لستر، دیوید. (۱۳۹۲). هنجاریابی پرسشنامه احساس شکست در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، مجله فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی علامه، زیر چاپ.
- ۴- جوکار، بهرام. (۱۳۸۵). رابطه کنش سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (دانشگاه تبریز)، ۱(۱)، ۴۸-۳۱.
- ۵- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام؛ صحراگرد، نرگس. (۱۳۸۶). تاب‌آوری سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۱۳(۳)، ۲۹۵-۲۹۰.
- ۶- سروقد، سیروس. (۱۳۹۲). نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه سبک‌های هویت و شیوه‌های مقابله با استرس در میان دانش‌آموزان سوم راهنمایی شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ۷- سید نوزادی، محسن. (۱۳۸۰). کلیات و اصول اپیدمیولوژی، تهران: نشر وافقی.
- ۸- شیرازی، ام‌البنین. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر خودتنظیمی یادگیری و تاب‌آوری در دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- ۹- طاهری، مهدی؛ یاریاری، فریدون؛ صرامی، غلامرضا؛ ادیب‌منش، مرزبان. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های هویت، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۱)، ۷۲-۸۲.
- ۱۰- عبدی‌زرین، سهراب؛ سجادیان، پریناز؛ شهیا، شیما؛ بیان معمار، احمد؛ عظیمی، حسین. (۱۳۸۹). رابطه بین سبک هویت و بهزیستی روانی در دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر قم. فصلنامه پژوهشی طلوع بهداشت یزد، ۹(۱)، ۶۹-۷۷.
- ۱۱- غضنفری، احمد. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۲- فروغی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر در ارتقای تاب‌آوری افراد وابسته به مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۳- کردمیرزا نیکوزاده، عزت‌اله. (۱۳۸۸) الگویابی زیستی-روانی-معنوی در افراد وابسته به مواد و تدوین برنامه مداخله برای ارتقاء تاب‌آوری مبتنی بر روایت‌شناسی شناختی و روان‌شناختی مثبت‌نگر، رساله دکتری رشته روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۴- نجات، حمید؛ توزنده‌جانی، حسن؛ هنریخس، مسعود. (۱۳۸۷). بررسی رابطه وضعیت هویت و سلامت روانی دانشجویان، مجموعه مقالات چهارمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.

15-Adams, G. R. Munro, B. Doherty-Poirer, M. Munro, G. Petersen, A. M. R. & Edwards, J. (2001). Diffuse-avoidance, normative, and informational identity styles: Using identity theory to predict maladjustment. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1(4), 307-320. and *Social Psychology*, 60, 89-99.

- 16-Allan, S. & Gilbert, P. (2002). *Anger and anger expression in relation to perceptions of social rank, entrapment and depressive symptoms. Personality and Individual Differences, 32, 551–565.*
- 17-Berzonsky, M. D. (1989). *Identity style and social cognitive reasoning. Journal of adolescence, 8, 287-296.*
- 18-Berzonsky, M. D. (2003). *Identity Style and Well-Being: Does Commitment Matter State University of New York, Cortland, NY.*
- 19-Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2000). *Identity status, identity processing style and the transition to university. Journal of adolescent research, 15(1), 81-98.*
- 20-Connor, K.M. Davidson, J.R.T. & Lee, L.C. (2003). *Spirituality, resilience, and anger in survivors of violent trauma: A community survey. Journal of Traumatic Stress .16(5): 487-94.*
- 21-Friborg, O. Hjemdal, O. Rosenvinge, J. H. & Martinussen, M. (2003). *A new rating scale for adult resilience: What are the central protective resources behind healthy adjustment? International Journal of methods in Psychiatric Research, 12, 65–76.*
- 22-Giddens, A. (2001) *Modernity and self-identity. Trans. Movaffaghian N. Tehran: Ney.*
- 23-Izadian, N. Amiri, M. Jahromi, R & Hamidi, Sh. (2010). *A study of relationship between suicidal ideas, depression, resiliency, daily stresses and mental health among Tehran university students. Proscenia Social and Behavioral Sciences .5: 151-59.*
- 24-Masten, A. S. (2001). *Ordinary magic: Resilience processes in development. American psychologist, 56(3), 227.*
- 25-Papy, H. khagevand, A. boromandnasab, m (2014). *A Study of the Relationship between Identity Styles and Resilience in High School students. Academic Journal of Psychological Studies.*
- 26-Schwartz, J. S. (2001). *The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity theory and research: A review and integration. Identity: An international. Journal of theory and research, 1(1), 7-85.*

27-Siebert, Al. (2005). *The resiliency advantage*. San Francisco, USA: Berrett-Koehler Publisher.

28-Taylor p.j, (2010). *The role of defeat and entrapment in suicide*. A thesis submitted to the University of Manchester for the degree of Doctor of Philosophy in the Faculty of Medical and Human Sciences.

29-Taylor, P J; Wood, A M; Gooding, P; Johnson, J & Tarrier, N. (2009). *Are defeat and entrapment best defined as a single construct? Personality and Individual Differences* .47(7): 795-97.